

## سیره‌ی اخلاقی معصومان : در برابر مخالفان و دگراندیشان

مصطفی سلیمانی\*

### چکیده

پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه‌ی اطهار : با مخالفان و دگراندیشان چگونه رفتار نمودند؟ با مدارا و ملایمت یا با نبردباری و خشونت؟

در این مقاله، نشان داده می‌شود که معصومان : اصل اولیه‌ی برخورد خویش را با مخالفان، بردباری و ملایمت قرار می‌دادند.

این نوشتار کوشیده است تربیت اخلاقی معصومان : را در برابر مخالفان و دگراندیشان تبیین کند. در نگرش معصومان : مخالف و دشمن، خطاکار است که باید هدایت شود و مهم‌ترین وظیفه‌ی انبیا و اولیای الهی (و همه‌ی حکومت‌های مبتنی بر دین)، زمینه‌سازی هدایت انسان‌ها و نشان دادن راه حق و حقیقت به آنان است. در نگاه معصومان :، انسان اشرف مخلوقات است و تکریم هر انسانی، بدون در نظر گرفتن عقیده و مذهبش، بر همگان واجب. مهم‌ترین مؤلفه‌ی تکریم انسان، حفظ خون اوست و خون‌های به ناحق ریخته‌شده، نخستین چیزی است که روز قیامت مورد سؤال قرار خواهد گرفت.

\*دانش‌آموخته‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، پژوهشگر و کارشناس مسائل تربیتی.

راه ارتباط با نویسنده: ایمیل: mostafasoleymani63@yahoo.com

معصومان : در نگرش تربیتی خویش، که ریشه در اصول و اعتقادات دارد، به آزادی و اندیشه‌ی مخالفان باطل خود احترام می‌گذاشتند و هیچ‌گاه به توهین و هتک حرمت متوسل نمی‌شدند و در سخت‌ترین و بحرانی‌ترین شرایط، مانند جنگ نیز به اصول اخلاقی پایبند بودند.

این تحقیق، ابتدا، جایگاه اصل مدارا و اصول حاکم بر رفتار اخلاقی-تربیتی معصومان : را در برخورد با مخالفان بیان کرده و سپس نمونه‌هایی از رفتار معصومان : را با مخالفان برشمرده و در ادامه، سیره‌ی ایشان در جذب مخالفان و دگراندیشان را بررسی کرده و در پایان، نقش اخلاق، علم و آگاهی، قدرت و توانایی اخلاقی-اجتماعی در جذب مخالفان را بیان نموده است.

**واژگان کلیدی:** سیره‌ی معصومان :، اخلاق، مخالفان، مدارا، پیامبر اکرم 9، امام علی 7.

## مقدمه

معصومان : دارای روحیه‌ای لطیف و قلبی مهربان و رؤوف بودند؛ از این رو، اصل رحمت و محبت را مبنای دعوت خویش قرار دادند. راز موفقیت معصومان : در تسخیر و تألیف قلب‌ها نیز محبت و ملایمت فراوان ایشان بوده است. ایشان، به شدت، به مردم عشق می‌ورزیدند و آنها را دوست می‌داشتند و برای هدایت بشر، تلاش و دلسوزی می‌نمودند. تلاش مهربانانه‌ی ائمه : به نحوی بود که قرآن کریم به رسول خدا 9 می‌فرماید: «فلعلک باخع نفسک علی آثارهمان لم یؤمنوا بهذالحدیث أسفاً»<sup>۱</sup> شاید اگر به این سخن ایمان نیاورند، خویشان را به خاطر ایشان از اندوه هلاک سازی».

اصل اولیه‌ی رفتار معصومان : این بود که همواره، با مخالفان مدارا می‌کردند و آنها را با ملایمت به دین حق دعوت می‌نمودند. این اصل و رفتار ایشان با مخالفان، طبق فرمان خداوند و آیین‌نامه‌ای است که می‌فرماید: «وإن جنهوا للسلام فاجنح لها»<sup>۲</sup> اگر مخالفان تمایل به صلح نشان دادند، تو نیز تمایل نشان بده».<sup>۳</sup>

۱. کهف: ۶.

۲. انفال: ۶۱.

۳. سعادت، احمد، مدارای پیامبر اعظم 9 با مخالفان و دگراندیشان، ص ۱۵۸.

در تربیت اخلاقی، مدارا، یکی از اصول اخلاقی اسلام است که نقش مهم و اساسی در بهبود روابط اخلاقی و اجتماعی دارد. اگر در جامعه‌ای از این اصل ارزشمند به درستی و بجا استفاده شود، از بسیاری از کج‌روی‌ها، از جمله قطع روابط، کینه‌ورزی و دشمنی، جلوگیری خواهد شد و افراد جامعه با آرامش روانی بیشتری زندگی خواهند کرد.

اسلام بر این اصل تأکید فراوان ورزیده است و پیامبر ۹ و امامان دین :، همواره، در زندگی پربرکت خویش بدان عمل کرده، آن را منش و روش خود قرار می‌دادند و با مدارا و گذشت شناخته می‌شدند. پیامبر اکرم ۹ به دلیل گذشت و مدارایشان، از خداوند، لوح «وَأَنكِ لَعْلَى خُلِقِ عَظِيمِ» گرفتند و بسیاری از دشمنان ائمه‌ی اطهار : از گذشت و مدارای ایشان، به امامت آنان پی برده، اعتراف می‌کردند و بی‌اختیار فریاد برمی‌آوردند: «خدا دانایان است که رسالت خود را در کجا قرار دهد».<sup>۴</sup> مدارا با مخالفان، از اصولی همیشگی پیشوایان معصوم : بود. پیامبر ۹ و ائمه‌ی اطهار : در رویارویی با مخالفانشان، به ویژه هنگامی که بر سر قدرت بودند، تا جایی شرع اجازه می‌داد، با مدارا رفتار می‌کردند.

آنان همان گونه که در اجرای دستورهای خداوند انعطاف‌ناپذیر و جدی بودند، در مواردی که شرع اجازه می‌داد، به ویژه هنگامی که به خودشان جفا یا توهینی روا داشته می‌شد، با عفو و مدارا برخورد می‌کردند؛ از این رو، در زندگی گهربارشان صحنه‌های افتخارآفرین بسیاری از مدارا با مخالفان بر جای مانده است؛ صحنه‌هایی که برای جامعه‌ی بشری درس‌های سودمندی در خود نهفته دارد.

در جهان کنونی، که سخن از مخالفان سیاسی و شیوه‌ی برخورد احزاب با مخالفان است و برخورد همراه با تساهل و تسامح با مخالفان سیاسی ارزش به شمار می‌رود، یکی از پرسش‌هایی که جای طرح دارد، این است که پیشوایان معصوم : با مخالفان خود چگونه برخورد می‌کردند؟ برخورد آنان با مخالفان، شدید و انتقام‌گونه بود یا همراه با مدارا و گذشت؟ این مقاله می‌کوشد با ارائه‌ی مصادیق عینی از زندگی پیشوایان معصوم :، نشان دهد آن بزرگواران از پیشتازان مدارا با مخالفان بودند.<sup>۵</sup> افراد هر جامعه‌ی اندیشه‌ها، تفکرات و

۴. انعام: ۱۲۴.

۵. حمیدی، حسینعلی، بردباری و ملاحظت در سیره‌ی تربیتی امامان :.

تمایلات مختلفی دارند. در ارتباط افراد جامعه با حکومت، گروه‌های موافق و مخالفی وجود دارند که با برخوردهای گوناگون حکومت روبه‌رو می‌شوند. بدون در نظر گرفتن انگیزه‌ی مخالفت‌ها و چرایی آنها، می‌توان شیوه‌ی برخورد حکومت را با گروه‌های مخالف در جوامع بررسی کرد و از برخوردهای ساده و همراه با ملایمت تا برخورد خشن، ضرب و جرح و نیز به دار کشیدن مخالفان را دیده و خوانده‌ایم. باید بررسی شود که مخالفان در نظام اخلاقی تربیتی اسلام چه جایگاهی دارند و برخورد حاکمان با مخالفان چگونه باید باشد؟ پاسخ به این پرسش‌ها و نیز بررسی شیوه‌ی برخورد پیامبر ﷺ و ائمه‌ی اطهار : با مخالفان، نوشتار حاضر را موجب گشته است.

البته پاسخ مکفی، بحثی مفصل می‌طلبد. آنچه این مقاله درصدد بررسی آن می‌باشد، تبیین نظری این موضوع در اسلام و شیوه‌ی برخورد پیامبر اکرم ﷺ و ائمه‌ی اطهار : با مخالفان بوده است؛ پیامبری که آخرین هدایت‌کننده‌ی بشر به سوی سعادت و حامل آخرین پیام رهایی انسان از تاریکی‌ها به سوی روشنایی مطلق هستند، به مصداق «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة»<sup>۶</sup>.

با بررسی رفتار پیامبر ﷺ و معصومان :، درصدد الگو گرفتن از ایشان در رفتارهای تربیتی، اخلاقی و اجتماعی در جامعه هستیم.<sup>۷</sup>

## تبیین واژگان کلیدی

### ۱. سیره‌ی معصومان :

الف. در لغت: از ماده‌ی «سار، یسیر، سیرا» است.<sup>۸</sup> سیره، مصدر نوعی است، بر وزن «فعله» و از ماده‌ی «سیر» است. «سیر» یعنی حرکت کردن، راه رفتن و «سیره» یعنی نوع راه رفتن و حرکت کردن.<sup>۹</sup> پس سیره به معنای طریقه، سنت، روش، خوی، شیوه، نوع سلوک، منش و خصلت‌های اخلاقی، بینش و سبک، تفکر، روش و نوع معاشرت، آداب و طریقه‌ی

۶. احزاب: ۲۱.

۷. احسانی، محمد، مدارا با مخالفان در سنت و سیره‌ی پیشوایان معصوم .:

۸. فراهیری، خلیل، العین، ج ۷، ص ۲۹؛ همان، ج ۴، ص ۲۶۵؛ ابن منظور، لسان‌العرب، ج ۹.

۹. زیدی، سیدمحسن مهدی، سیره‌ی اهل‌بیت : در جذب مخالفان، ص ۱۴.

زندگانی می‌باشد.<sup>۱۰</sup>

**ب. در اصطلاح:** به شیوه و طریقه‌ی رفتاری و گفتاری پیامبر ﷺ ائمه‌ی معصوم، سیره گفته می‌شود. یکی از منابع شناخت، که هر مسلمان باید دید و بینش خود را با توجه به آن اصلاح کند، رفتار ائمه‌ی اطهار : می‌باشد. ناگفته نماند که در این جا مطلق رفتار و گفتار ائمه : مورد بحث است، نه نوع خاص آن که معنای سیره باشد. سیره‌ی معصومان :، یعنی «عملکرد معصومان»:

## ۲. افلاق

**الف. در لغت:** «اخلاق»، جمع «خُلُق»، به معنای سرشت و سَجِیه است. «خَلَقَ» و «خَلَقَ»، در اصل یکی هستند، مانند «شَرَبَ» و «شُرِبَ»، ولی «الخَلَقَ» هیئت‌ها و صورت‌های ویژه‌ای است که با چشم درک می‌شود (صورت ظاهری) و «الخَلَقَ» مختص سرشت و سَجِیه‌ای است که با بصیرت درک می‌گردد.<sup>۱۱</sup> (صورت باطنی و نفسانی). در این جا، مراد از «اخلاق»، «خُلُق» و صورت باطنی و نفسانی انسان است.

**ب. در اصطلاح:** اخلاق در اصطلاح دینی، بر دو گونه است: «حسن خلق» و «سوء خلق». **حسن خلق:** وقتی خلق و صورت باطنی و نفسانی انسان، از نظر عقل و شرع پذیرفته شده باشد. **سوء خلق:** وقتی خلق و صورت باطنی و نفسانی انسان، از نظر عقل و شرع پسندیده نباشد، بلکه زشت و قبیح برشمرده شود.

اهل بیت : تجسم عینی حسن خلق هستند و به سبب حسن خلقشان، بسیاری از مخالفان جذب دین مبین اسلام شدند.

## ۳. مخالفان

**الف. در لغت:** مخالف به معنای دشمن، خصم، ناسازگار و ناموافق و آن که مذهبی دیگر دارد، آمده است.<sup>۱۲</sup>

۱۰. طریحی، فخرالدین، مجمع‌البحرین، ماده‌ی «سیر».

۱۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآنی، ص ۱۵۹.

۱۲. دهخدا، علی‌اکبر، فرهنگ لغت، ذیل واژه‌ی مخالف.

«مخالف» از «خالف، یخالف، مخالفه» و نقیض معنای «وافق، یوافق، موافقه» است.<sup>۱۳</sup>  
 ب. در اصطلاح: مخالف کسی است که راهش غیر از راه دیگری است؛ بنابراین، مخالفان اسلام و اهل‌بیت : نیز به طور کلی بر دو گونه هستند: ۱. مخالفانی که بر ضد اسلام و اهل‌بیت : هستند و با اسلام و اهل‌بیت : دشمنی دارند، مانند دشمنان اسلام از کافران، مشرکان، یهود و نصارا و... و مانند دشمنان اهل‌بیت :؛ ۲. مخالفانی که ضد اسلام و اهل‌بیت : نیستند، ولی با اسلام ناب محمدی ۹ و شخصیت اهل‌بیت : اختلاف مذهبی، عقیدتی، فکری و... دارند.  
 در تقسیم‌بندی دیگر، پیشوایان معصوم : شامل پیامبر ۹ و ائمه‌ی اطهار :، چند گونه مخالف داشتند:

- مخالفان دینی: مشرکان، مسیحیان، یهودیان و منافقان به ظاهر مسلمان؛  
 - مخالفان مذهبی: مسلمانانی که مرجعیت دینی ائمه‌ی اطهار : را قبول نداشتند؛  
 - مخالفان سیاسی: کسانی که حق رهبری ائمه‌ی اطهار : را در بُعد سیاسی قبول نداشته، ایشان را حاکمان واقعی نمی‌دانستند؛

- مخالفان شخصی: کسانی که به انگیزه‌های شخصی همچون حسادت و... با ائمه‌ی اطهار : مخالف بودند.<sup>۱۴</sup>

اهل‌بیت : همه‌ی این مخالفان را با سیره‌های گوناگون خود (از اخلاقیات، معجزات، علم و قدرت) به راه مستقیم جذب کردند که در این مقاله نمونه‌های متنوع آن مطرح می‌شود.

#### ۴. مدارا

الف. در لغت: مدارا (مداراه) به معنای نرمی کردن، ملاحظت نمودن و به مهربانی رفتار کردن است.

«درایه مداراه» یعنی با او به ملاحظت و ملاحظت رفتار کردم. در حدیث نبوی ۹ آمده است: «من به مدارا با مردم مأمور شده‌ام، همچنان که به تبلیغ رسالت مأمور گشته‌ام».<sup>۱۵</sup> نیز آن

۱۳. طریحی، فخرالدین، مجمع‌البحرین، ج ۵، ص ۵۴.

۱۴. احسانی، سیدمحمد، مدارا با مخالفان در سنت و سیره‌ی پیشوایان معصوم :.

۱۵. الحرائی، ابن‌شعبه، تحف‌العقول، ص ۳۵.

جا که رسول خدا ﷺ فرمودند: «رأس عقل پس از ایمان به خدا، مدارا با مردم است.»<sup>۱۶</sup> یعنی ملایمت با آنان و معاشرت نیکو با آنان و تحملشان تا متتفر نگردند.<sup>۱۷</sup> «ابن منظور» می‌نویسد: «هر که آن را با همزه استعمال کند، معنایش "الاتقاء لشره" و هر که بدون همزه استعمال کند، از باب "دریت" به معنای خدعه و نیرنگ گرفته است.»<sup>۱۸</sup> معادل دیگر مدارا در عربی، «رفق» است. رفق به معنای نرم خوئی و ظرافت داشتن در کار می‌باشد و به کسی که نرم‌خویی پیشه می‌کند، رفیق می‌گویند.

**ب. در اصطلاح:** «علامه مجلسی» در تعریف مدارا می‌گوید: «مدارا عبارت از ملاطفت و نرمی با مردم و ترک نزاع و مجادله با آنان».<sup>۱۹</sup> در مجموع، می‌توان گفت که مدارا عبارت است از رفتار همراه با تسامح، نرمی و گذشت در جایی که به صورت معمول انتظار برخورد و شدت عمل وجود دارد. شاید به رفتار ملایم و گذشت در قبال خشونت و توهین به این سبب مدارا گفته شده است که شخص با رفتار همراه با تسامح و گذشت، می‌خواهد شر او و پی‌آمدهای ناگوارتر برخورد با او را دفع کند.

**مرز میان مدارا و سازش:** مدارا با مدهانه و سازش فرق دارد. سازش و مدهانه، کوتاه آمدن در اصول و مصالح اسلام، برای کسب منافع شخصی یا گروهی است، در صورتی که مدارا، کوتاه آمدن در منافع و مضار شخصی یا کوتاه آمدن برای کسب منافع و مصالح عمومی و اسلامی می‌باشد.

«غزالی» در بیان فرق مدارا و مدهانه می‌گوید: «اگر با هدف سالم ماندن دینت و اصلاح برادرت، از خطای طرف چشم پوشیدی، مداراست، ولی اگر با هدف بهره‌برداری شخصی و رسیدن به خواسته‌های درونی و حفظ مقام و موقعیت گذشت کردی، مدهانه است.»<sup>۲۰</sup> خداوند متعال در عین این که پیامبر ﷺ و مؤمنان را در برابر دشمنان عنود و کینه‌توزان لجوج، باصلاّت و قاطع معرفی می‌کند، رحمت و شفقت را نیز از ویژگی‌های ایشان

۱۶. همان، ص ۴۰.

۱۷. طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۲، ص ۲۹.

۱۸. ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۱، ص ۷۱.

۱۹. خلیل‌بن‌احمدفراهیریف، العین، ج ۵، ص ۱۴۹.

۲۰. ابوحامد غزالی، احیاءالعلوم، ج ۵، ص ۱۸۴.

برمی‌شمرد.<sup>۲۱</sup> همچنین خدای متعال، که در موارد متعدد، خلق کریمانه‌ی پیامبر اکرم ﷺ را ستایش می‌کند، به رسول خدا ﷺ خبر می‌دهد که مشرکان دوست دارند تو با آنها در سازش درآیی و ایشان را از تمکین خواسته‌ی آنان بر حذر می‌دارد.<sup>۲۲</sup>

## انواع مدارا

بعضی از موارد مدارا در سیره‌ی پیشوایان معصوم : از روی تقیه دانسته شده‌است که به آن «تقیه‌ی مداراتی» می‌گویند؛<sup>۲۳</sup> بنابراین، مدارا بر دو گونه است: مدارایی که از بزرگی شخصیت مداراکننده و سنجیده‌ی ذاتی شخصی سرچشمه می‌گیرد و مدارایی که از روی تقیه و به دلیل مصالحی است که ایجاب می‌کند. در مورد نخست، شخص از آن نظر با مردمان با مدارا رفتار می‌کند که آن را از خصال نیک انسانی می‌داند یا چون رفتار مداراگونه را مورد رضای خدا و سبب تقرب به او برمی‌شمرد.

در زبان عربی، در کلمه‌ی «مدارا»، گونه‌ای تقیه و پنهان‌کاری نهفته است، یعنی «مدارا» به رفتاری گفته می‌شود که شخص به دلیل پی‌آمدهایش به آن تن درمی‌دهد و با چشم‌پوشی و گذشت رفتار می‌کند؛ به همین دلیل، برخی از لغت‌شناسان گفته‌اند: «کسی که مدارا می‌کند، در حقیقت، کینه و غیظ خود را پنهان می‌سازد و اظهار دوستی می‌کند».<sup>۲۴</sup> «کظم غیظ»، که یکی از ارزش‌های اخلاقی و از صفات پرهیزکاران دانسته شده، به این معناست که شخص با این که سینه‌اش از خشم پر و لبریز شده است، غضب و خشم خود را پنهان می‌سازد و به آن ترتیب اثر نمی‌دهد.<sup>۲۵</sup>

## آثار تربیتی رفق و مدارا

اکنون، این پرسش مطرح می‌شود که رفق و مدارا در تربیت دینی چه تأثیری دارد؟ البته

۲۱. فتح: ۲۹

۲۲. قلم: ۸-۹

۲۳. فاضل لنکرانی، محمد، *تقیه‌ی مداراتی*، ص ۱۷.

۲۴. ابن منظور، *لسان‌العرب*، ج ۱۴، ص ۲۵۵.

۲۵. فخر رازی، *مفاتیح‌الغیب*، ج ۹، ص ۳۶۷.



با توجه به سیره‌هایی که بیان می‌شود و نیز با توجه به دلایلی که در آنها لزوم رعایت رفق و مدارا در رفتارهای تربیتی اشاره می‌گردد، پاسخ این پرسش تا حد زیادی روشن است. ما در این جا تنها به دو نکته، که در سیره و روایات معصومان : بر آن تأکید شده است، اشاره می‌کنیم:

۱. نخستین موضوعی که در این باب در سیره‌ها مطرح می‌شود، این است که رفق و مدارا با مترتبان، سبب جذب آنان به مرتبی و شخصیت، منش، آرا و عقایدش می‌گردد. در رفتار امام زین‌العابدین 7 با مردی که به ایشان دشنام داد، می‌خوانیم که مرد شامی پس از دیدن رفق و مدارای امام 7 شرمنده و جذب امام 7 و شخصیت ایشان شد. چنانچه رفتار از سر رفق امام حسن 7 نیز با مرد شامی موجب جذب وی به امام 7 گردید.

در روایتی از امام صادق 7 نیز ایشان دلیل مدارا با مردم و به ویژه مخالفان را جذب آنان به دین می‌دانند: «و اما المخالفون فيكلمهم بالمداوة لا يجتذبهم الى الايمان؛ ولی با مخالفان به روش مدارا صحبت می‌کند، برای این که آنان را به سوی ایمان جذب کند».<sup>۲۶</sup>

۲. افزون بر این، در سیره‌ها مطرح است که رفق و مدارا با تربیت‌آموزان سبب می‌شود آنان آموزه‌ها و مفاهیم دینی را به بهترین وجه درک، جذب و درونی کنند و به تدریج، به مدارج بالای ایمان و کمال برسد، بدون آن که از اعمال دینی خسته یا دلزده شوند. در روایتی آمده است: «عبادت خداوند را برای خودت ناخوش آیند مکن».<sup>۲۷</sup>

این روایت، در واقع، بیان می‌کند که رعایت نکردن رفق و مدارا در تربیت، حتی اگر درباره‌ی خویشان هم باشد، موجب می‌شود انسان از عبادت و اعمال دیگر دینی خسته و در نتیجه، متنفر گردد و بدین سبب از پیمودن مسیر کمال بازماند.

## گذشت و مدارا با مخالفان در سیره‌ی تربیت اخلاقی پیشوایان معصوم : - مدارا به منظور هدایت افراد به راه حق

در موارد بسیاری، پیامبر اکرم 9 با مردم با مدارا و ملایمت رفتار می‌کردند تا زمینه‌ی هدایت افراد را فراهم کنند. وقتی افراد با پیامبر 9 و ائمه‌ی اطهار : برخورد‌های خشن

۲۶. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان/حکمه، ج ۳، ص ۲۳۹.

۲۷. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۸۷.

و دور از نزاکت می‌کردند و از جانب ایشان نیز توقع مقابله به مثل داشتند، ولی ناگهان با خلق کریمانه‌ی ایشان روبه‌رو می‌شدند، انقلابی در ضمیرشان ایجاد می‌شد و به حقانیت پیامبر ۹ و ائمه‌ی اطهار : پی می‌بردند.

خداوند متعال از خلق نیکوی پیامبر ۹، که سبب جذب مردم به دین حق می‌شد، این‌گونه یاد می‌کند: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ»<sup>۲۸</sup> به سبب رحمت خداست که تو با آنها اینچنین خوش‌خوی و مهربان هستی. اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی، از گرد تو پراکنده می‌شدند. پس بر آنها ببخشای و برایشان آموزش بخواه».

ائمه‌ی اطهار : نیز در بسیاری از موارد، به منظور فراهم آوردن زمینه‌ی هدایت افراد و نشان دادن مرز حق و باطل، با افراد مدارا می‌کردند. مدارای ائمه : با شامیانی که به ایشان ناسزا می‌گفتند، از این قبیل بود، زیرا تبلیغات معاویه در شام چنان مردم را با اهل بیت : دشمن کرده بود که مردم آن دیار، آنان را یگانه دشمن اسلام می‌دانستند. بدین روی، شامیان، هرگاه، یکی از اهل بیت : را می‌دیدند، زبان به دشنام و اهانت می‌گشودند.<sup>۲۹</sup>

### –مدارا به قصد پیش‌گیری از زیان‌های بزرگ‌تر

پیامبر(ص) برای پیش‌گیری از شرارت افراد شرور و اختلاف‌انگیز، از راه‌های غیرمستقیم و مسالمت‌آمیز اقدام می‌کردند و تا جایی که ممکن بود، با احترام و تکریم این افراد، از ایجاد درگیری و نفاق جلوگیری می‌نمودند تا حس بزرگی خواهی و احترام‌طلبی‌شان سبب ایجاد شکاف در جامعه‌ی اسلامی نشود. چنین رفتاری با افراد شرور، ممکن است به ظاهر نوعی باج‌دهی تلقی شود، ولی، در واقع، ایشان با کمترین هزینه، سلامت جامعه‌ی اسلامی را تضمین می‌نمودند.

روزی، رسول خدا ۹ در منزلشان نشسته بودند که «محزمه بن نوفل» اذن ورود خواست.

۲۸. آل عمران: ۱۵۹.

۲۹. برای نمونه ر. ک: مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب ۷، ج ۴، ص ۱۹ و ۲۰۷؛ ابن طاوس، علی بن موسی بن جعفر، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۱۱؛ طوسی، محمد بن حسن لامالی، ص ۴۱۰؛ فیض کاشانی، ملامحسن، المحجة البیضاء، ج ۴، ص ۳۰۵.

حضرت ۹ فرمودند: «او بدترین مرد قبیللهی خویش است. به او اجازه دهید وارد شود». وقتی محزمه وارد شد، حضرت ۹ با خوش‌رویی با او رفتار کردند و او را در جای خود نشاندند. وقتی از منزل بیرون رفت، عایشه پرسید: «درباره‌اش چیزی گفتید، ولی رفتارتان با او به گونه‌ای دیگر بود؟!» حضرت ۹ فرمودند: «در روز قیامت، بدترین مردم کسی است که مردم او را به دلیل در امان ماندن از شرارتش احترام کنند».<sup>۳۰</sup>

### -مدارا با فویشاوندان

برخی افراد با این که از خویشاوندان پیشوایان معصوم بودند، به دلیل شناختن جایگاه امامت و منزلت امام زمان خویش یا از روی حسادت و پیروی از هواهای نفسانی، گاه، باعث اذیت و آزار ائمه‌ی اطهار می‌شدند. برخی از آنها امامت را حق خود یا فرزندانشان می‌دانستند و به همین دلیل، برخوردهایی با ائمه‌ی اطهار داشتند. آنان را می‌توان مخالفان شخصی ائمه : برشمرد.

«عبدالله بن حسن» یکی از این افراد است که با امام صادق 7 برخوردهای تند و ناپسندی داشت. وی امام 7 را به دلیل اذعان نکردن به امامت و مهدویت پسرش، «محمد نفس زکیه»، متهم به حسادت می‌کرد. با وجود این، امام 7، همواره، با او کریمانه رفتار می‌نمودند و از کمک و خیرخواهی برای او و فرزندانش دریغ نمی‌کردند.<sup>۳۱</sup>

### -مدارا با شکست‌خوردگان

پیامبر ۹ و جانشین برحقشان، حضرت علی 7، با شکست‌خوردگان مدارا می‌کردند. مدارای پیامبر ۹ با «ابوسفیان» در فتح مکه، یکی از این موارد است. حضرت ۹ نه تنها از سال‌ها دشمنی و توطئه‌چینی‌های ابوسفیان انتقام نگرفتند، بلکه خانه‌ی او را مأمونی برای کسانی قرار دادند که می‌خواستند سالم بمانند.<sup>۳۲</sup> حضرت ۹ با عفو و مدارایشان ثابت کردند که نه تنها برای دوستان، که برای دشمنان نیز رحمت هستند. حضرت علی 7 نیز با دشمنان شکست‌خورده‌ی خویش مطابق سیره‌ی پیامبر ۹، با عفو و

۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۳۲۶.

۳۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۱۷۱.

۳۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ‌الامم والملوک، ج ۳، ص ۵۴.

مدارا رفتار می‌کردند. در جنگ جمل، تا زمانی که دشمن چند نفر از یارانشان را به شهادت نرساند، اجازه‌ی حمله ندادند. هنگامی هم که جنگ پایان یافت، حضرت 7 عفو و گذشت بی‌سابقه‌ای از خود به نمایش گذاشتند؛ امام علی 7 عایشه را، که محور اصلی جنگ جمل بود، عفو کردند و همراه برادرش، «محمد بن ابی‌بکر» و تعدادی محافظ، با احترام، به مدینه بازگرداندند و «مروان» را، که اسیر شده بود، بخشیدند و لشکریانشان را از تعقیب فراریان و کشتن افراد زخمی منع نمودند.<sup>۳۳</sup>

«ابن‌عثم» می‌گوید: «پس از واقعه‌ی جمل، علی 7 عایشه را همراه تعدادی از زنان، که به لباس مردان در آمده بودند، به مدینه فرستادند. عایشه در میانه‌ی راه از امام علی 7 شکایت کرد که تعدادی از مردان را با وی فرستاده است. هنگامی که وی این سخن را گفت، زنان نقاب از چهره برگرفتند. عایشه وقتی تدبیر امام علی 7 را دید، گفت: «ای کاش بیست سال پیش از این مرده بودم!»<sup>۳۴</sup>

### -مدارا به فاطر مصالح بزرگ اسلام

مدارا با مخالفان در سیره‌ی امام صادق 7، که در زمانشان شیعیان از مخالفان تمیز بیشتری یافتند، بیشتر نمود دارد. اگر در زمان امامان پیشین، مخالفان تنها به ائمه : توهین می‌کردند و در آزارشان می‌کوشیدند، از عصر امام صادق 7 به بعد، به شیعیان و پیروان اهل‌بیت : بیش از خود ائمه : آزار می‌رساندند. به صورت طبیعی، وقتی پیروان اهل‌بیت : بیشتر می‌شد، اصطکاک‌ها با مخالفان نیز فزونی می‌یافت؛ از این رو، امام صادق 7 نه تنها با مخالفانشان با مدارا رفتار می‌کردند، بلکه از پیروانشان نیز می‌خواستند این‌گونه رفتار کنند تا زمینه‌های تصادم و تنش در جامعه‌ی اسلامی به حداقل برسد.

«برقی» با سند خود از «ابن‌مسکان» نقل می‌کند: «روزی، امام صادق 7 به من فرمودند: "چنین گمان می‌کنم که اگر کسی نزد تو به حضرت علی 7 ناسزا بگوید، اگر بتوانی بینی شخص را بخوری، این کار را خواهی کرد!" گفتم: "جانم به فدایت! آری. به خدا سوگند، که من و خاندانم این‌گونه هستیم" حضرت فرمودند: "این کار را نکن. گاه، من از کسی می‌شنوم

۳۳. بلاذری، محمد بن یحیی، انساب‌الاشرف، ج ۲، ص ۲۶۲.

۳۴. کوفی، ابن‌عثم، الفتوح، ج ۲، ص ۴۸۷.

که به حضرت علی 7 ناسزا می‌گوید، در حالی که میان من و او تنها یک ستون فاصله است. من پشت ستون مخفی می‌شوم و مشغول نماز می‌گردم. هنگامی که از نماز فارغ شدم، می‌روم و از کنار آن مرد می‌گذرم و با او دست می‌دهم و سلام می‌کنم»<sup>۳۵</sup>.

### -مدارا با جاهلان و ایدگران

پیامبر 9، در مکه، همواره، به دست مشرکان آزار و اذیت می‌شدند. در برابر آن همه آزار و اذیت، توطئه‌چینی و سنگ‌اندازی، آن بزرگوار برای ایشان عذر می‌آوردند و به جای نفرین آنان، برایشان از خدا طلب مغفرت و بخشش می‌کردند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۳۶</sup>. «احمدبن عمر خلال» می‌گوید: «مردی بددهان، ولی گنگ در مدینه به امام رضا 7 توهین کرد. من به قصد کشتن او از خانه بیرون رفتم. هنگامی که مرد به مسجد رفت، جلو درب مسجد به انتظارش نشستم تا بیرون بیاید. در این هنگام، نامه‌ای از امام رضا 7 به دستم رسید که نوشته بود: «بِحَقِّي عَلَيْكَ لَمَّا كَفَفْتَ عَنِ الْأَخْرِ سِفَ إِنَّ اللَّهَ ثَقَّتِي وَ هُوَ حَسْبِي؛ تو را به حقی که بر تو دارم، سوگند می‌دهم که از کشتن مرد گنگ دست برداری که خداوند یگانه تکیه‌گاه من می‌باشد و او مرا کفایت است»<sup>۳۷</sup>.

### -مدارا با توطئه‌گران

پیشوایان معصوم :، گاه، تا بدان جا مدارا و سعه‌ی صدر از خویش نشان می‌دادند که حتی با برخی از توطئه‌گران نیز با مدارا، تسامح و گذشت رفتار می‌کردند. مدارای پیامبر 9 با «عبدالله بن ابی»، که قصد داشت با گسترش فتنه میان مهاجر و انصار، از آب گل‌آلود ماهی بگیرد، از این قبیل است؛ در جنگ بنی‌مصطلق، هنگام آب برداشتن از چشمه‌ای، میان یکی از مهاجرین و یکی از انصار منازعه‌ای شد و این مشاجره، درگیری مهاجرین و انصار را در پی داشت. عبدالله بن ابی به قصد بهره‌برداری از این واقعه، گفت: «اگر به مدینه بازگردیم، عزیزترها ذلیل‌ترها را از شهر خارج خواهند ساخت». حضرت 9 از این سخن ابن‌ابی، به شدت، رنجیدند، به قدری که بی‌درنگ لشکریانشان را، که تازه اتراق کرده

۳۵. برقی، احمدبن محمد خالد، المحاسن، ج ۱، ص ۳۱۳.

۳۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۶۷.

۳۷. صفار، محمدبن حسن، بصائر الدرجات، ص ۲۵۲.

بودند، به سوی مدینه حرکت دادند. «عمر بن خطاب» به حضرت ۹ پیشنهاد کرد که او را بکشد، ولی رسول خدا ۹ نپذیرفتند. وقتی حضرت ۹ با لشکریانشان به مدینه رسیدند، پسر عبدالله، که تازه از ماجرا آگاهی یافته بود، نزد حضرت ۹ رسید و پیشنهاد کرد در صورت حکم حضرت ۹ به قتل پدرش، وی مجری دستور ایشان باشد، زیرا چشم دیدن قاتل پدرش را ندارد و بیمناک است که دستش به خون مؤمنی آلوده گردد و در نتیجه، مستحق جهنم شود. حضرت ۹ فرمودند: «خیر، ما با او مدارا می‌کنیم و تا زمانی که در کنار ما زندگی می‌نماید، با او به نیکویی رفتار خواهیم کرد».<sup>۳۸</sup>

### -مدارا در عین قاطعیت

چنان که گذشت، پیشوایان معصوم ،: در مواردی، از اصل مدارا با مخالفان بهره می‌گرفتند که یا تجاوز شخص و حقوق شخصی ایشان صورت می‌پذیرفت یا مدارا به مصلحت طرف یا مصلحت اسلام و امت اسلامی بود، ولی در مواردی که یکی از اصول اسلام یا امنیت جامعه‌ی اسلامی و مصالح مسلمانان به مخاطره می‌افتاد، با قاطعیت با مخالفان ستیزه‌جو و معاند برخورد می‌کردند. پیامبر اسلام ۹ درباره‌ی مسجد ضرار، که منافقان می‌خواستند به نام مسجد، خانه‌ی تیمی و کانون توطئه بر ضد اسلام و جامعه‌ی اسلامی بسازند، با قاطعیت برخورد نمودند و مسجد مزبور را در حالی که برخی از منافقان داخلش بودند، به آتش کشیدند.

پیامبر ۹ در سال نهم هجرت، هنگامی که عازم جنگ تبوک بودند، گروهی از منافقان از حضرت ۹ خواستند در مسجدی که آنان برای افراد ناتوان یا مواقع بارندگی ساخته‌اند، نماز گزارند. حضرت ۹، ابتداء، این کار را به پس از بازگشت از جنگ تبوک موکول کردند، ولی هنگامی که باخبر شدند که قصد توطئه دارند تا با استفاده از عنوان مقدس مسجد، پایگاهی بر ضد اسلام بسازند، به «مالک بن وحشم» و «معن بن عدی» مأموریت دادند آن جا را به آتش بکشند.<sup>۳۹</sup>

با این حال، حتی در این باره نیز مدارای حضرت ۹ را با منافقان می‌بینیم، زیرا رسول خدا ۹ منافقانی را که از آن جا جان سالم به در برده بودند، مجازات نکردند.

۳۸. ابن هشام، السیرة النبویة ۹، ج ۱، ص ۵۲۱.

۳۹. همان، ج ۲، ص ۵۲۹.

حضرت علی 7 در مواردی همچون بیت‌المال، عدالت و امنیت عمومی و اجرای حدود، با قاطعیت برخورد می‌کردند. آن حضرت، درباره‌ی بیت‌المال فرمودند: «حتی اگر این اموال مهر زنان گشته یا با آن کنیزانی خریداری شده باشد، آن را به بیت‌المال بازخواهم گرداند.»<sup>۴۰</sup> و در پاسخ کسانی که از حضرت 7 خواستند به اشراف امتیازاتی بدهند، فرمودند: «آیا توقع دارید من پیروزی را به قیمت زیر پا گذاشتن عدالت و ستم بر مردم به دست آورم؟! به خدا سوگند، تا عمر دارم، چنین نخواهم کرد.»<sup>۴۱</sup>

### اصول حاکم بر رفتار پیامبر 9 در برخورد با مخالفان

پیامبر 9 در برابر بت‌پرستان، کافران و مشرکان قریش چاره‌ای جز مدارا نداشتند، زیرا در ابتدای راه بودند و ضرورت داشت با مدارا و به آرامی، آنها را به سوی اسلام بکشانند، ولی در برخورد با اهل کتاب و پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، هر دو گونه برخورد را نشان می‌دادند، یعنی تا جایی که ممکن بود، با گفت‌وگو و عهد و پیمان برای زندگی مسالمت‌آمیز با آنان می‌کوشیدند، ولی وقتی آنها پا را فراتر نهاده، خیانت می‌کردند یا نقض پیمانی صورت می‌گرفت، پیامبر 9 برخوردی دیگر داشتند، همانند برخورد با قبایل یهودی مدینه. در برخورد با منافقان، که با فتنه‌انگیزی، جبهه‌ی داخلی بر ضد پیامبر 9 تشکیل داده بودند، رویکرد پیامبر 9 مدارا بود. حضرت 9 به دلایل گوناگون سیاسی و اجتماعی، با مخالفان با ملایمت و رفق برخورد می‌نمودند، آن گونه که با عبدالله بن ابی‌برخورد کردند و در فتنه‌انگیزی وی پس از غزوه‌ی بنی‌المصطلق، حاضر به کشتن او، که سرکرده‌ی منافقان بود، نشدند و در پاسخ به فرزند عبدالله، که اجازه‌ی قتل پدرش را از پیامبر 9 طلب نمود، فرمودند: «تا هنگامی که زنده است، مانند دوست و رفیق با او به نیکی رفتار می‌کنیم.»<sup>۴۲</sup> به قول «ابن هشام»، همین رفتار حضرت 9 سبب شد که عبدالله بن ابی از آن پس مورد سرزنش و ملایمت قوم و قبیله‌ی خویش قرار گیرد.<sup>۴۳</sup>

۴۰. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۵.

۴۱. همان، خطبه‌ی ۱۲۶.

۴۲. نوعی، غلامرضا، مدارا با مخالفان در قرآن و سنت، ص ۱۰۱.

۴۳. عبدالمجیدی، حسین، تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و عترت، ص ۱۵۳.

پس از بررسی سیره‌ی نبوی  $\text{ﷺ}$ ، می‌توان اصول ذیل را در رفتارهای حضرت  $\text{ﷺ}$  یافت:

۱. رفتار عادلانه با مخالفان در فرمان‌ها (دستورها)، برخورد با دشمن در جنگ و قتال و مانند آن؛
۲. گفت‌وگو با مخالفان که از راه‌های گوناگون صورت می‌گرفت: با تماس پیامبر  $\text{ﷺ}$  با مردم، با حضور در میان قبایل، گاه با پذیرفتن هیئت‌های اعزامی از قبایل یا اعزام مبلغ به قبایل و نیز مکاتبه و نامه‌نگاری به حکومت‌های دیگر.
۳. قانون‌مداری در برخورد با مخالفان (و موافقان) و پایبندی به عهد و پیمان‌ها؛
۴. برخورداری از شیوه‌ی سمحه و سهله (مدارا) که برخورداری از این شیوه، مزایای بی‌شماری برای حاکم اسلامی (و جامعه‌ی اسلامی) در پی خواهد داشت، از جمله ایجاد فضای مناسب برای برخورد اندیشه‌ها و ترقی و تکامل آنها، جلوگیری از توسل به زور و سخت‌گیری و تحمیل عقیده و مهم‌تر از همه، حفظ وحدت جامعه، که موجب رشد جامعه را فراهم می‌سازد.<sup>۴۴</sup>

«برتراند راسل»، درباره‌ی تساهل بین مسلمانان اظهار می‌دارد: «بعضی از صفات برگزیده، که امروز بر حسب عادت، آنها را جزو عادت حسنه‌ی ویژه‌ی عیسویان برمی‌شماریم، پیش از این، در مشرق‌زمین بیشتر مستحسن برشمرده می‌شد و به آنها عمل می‌کردند تا در مغرب‌زمین. تساهل و تسامح در اوایل ظهور اسلام، به ویژه حکومت اسلامی در مدینه و برخورد مسلمانان با مسیحیان، که کافر و مرتد تلقی می‌شدند، بسیار جوان‌مردانه‌تر از رفتار امپراتوران بیزانس با عیسویان بود، زیرا پیامبر اسلام  $\text{ﷺ}$  نه تشکیلات انگیزاسیون (تفتیش عقاید) اروپا را به وجود آوردند و نه سیاه‌چاله‌های آنها را، که در قرون وسطا رایج بود».<sup>۴۵</sup>

عصر نبوی  $\text{ﷺ}$ ، عصر تأسیس نظام اسلامی و تکوین اعتقادات اسلامی در میان مردم بود. به همین دلیل، رفتارهای پیامبر  $\text{ﷺ}$  بیشتر همراه با مدارا بود تا مردم بتوانند اصل دین را در جامعه بپذیرند. بدین روی بعضی از مخالفت‌ها، استهزاها و تمسخرها و حتی مخالفت‌های عملی، با گذشت پیامبر  $\text{ﷺ}$  همراه بودند، ولی چون کارهای عملی مخالفان از حد می‌گذشت

۴۴. کمالی، سیدعلی، خاتم‌النبین  $\text{ﷺ}$ ، ص ۹۴.

۴۵. وشنوی، محمدقوم، حیات‌النبی  $\text{ﷺ}$  و سیرته، ص ۳۲۱.



و پیامبر ﷺ چاره‌ای جز مبارزه‌ی عملی نداشتند، از مدارا دست می‌کشیدند. بیشترین تحمل و مدارای پیامبر ﷺ، با منافقان مدینه بود، زیرا برخورد شدید با آنها، خطری بر ضد اصل اسلام به شمار می‌رفت.

### نمونه‌هایی از دریای بی‌کران رفتار همراه با مدارای پیامبر ﷺ

۱. مدارا با جوان یهودی که به تحریک «شاس بن قیس»، بین اوس و خزرج اختلاف ایجاد نمود و نزدیک بود عصبیت جاهلی در دو قبیله، به جنگ منجر شود، ولی با دخالت و نصیحت پیامبر ﷺ موضوع حل شد. پیامبر ﷺ با این که می‌دانستند ریشه‌ی فتنه کجاست، ولی برخورد نکردند.

مدارا با جماعتی از منافقان و یهودیان، که پیامبر ﷺ را آزار و اذیت می‌کردند و آیات قرآن در بیان ماهیت آنان نازل شد که عبارت‌اند از:

۲. «نبتل بن الحرث»، که درباره‌ی پیامبر ﷺ گفت: «انما محمدٌ أذنٌ...» که آیه نازل شد: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذُنٌ قُلُّ أذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ». (توبه: ۶۱) پیامبر ﷺ درباره‌ی او فرمودند: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الشَّيْطَانِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى نَبْتِ بْنِ الْحَرِثِ». با وجود این، دستوری از پیامبر ﷺ برای مقابله با او صادر نشد.

۳. «وديعه بن ثابت»، که از بنیان‌گذاران «مسجد ضرار» بود؛ همو که گفته بود: «إِنَّمَا كُنَّا نَحْوُ وَ نَذَهَبُ.» و آیه در حق او نازل شد: «وَلَيْتِنَا سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخْوُ وَ نَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ وَ رَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ». (توبه: ۶۵)

۴. «اوس بن قیطنی»<sup>۴۶</sup> در جنگ خندق، برای فرار از جنگ، به پیامبر ﷺ گفته بود: «إِنَّ بِيوتنا عورةٌ فَأَذِنَ لَنَا فَلنرجع اليها» و این آیه در حق او نازل شد: «يَقُولُونَ إِنَّ بِيوتنا عورةٌ وَ مَا هِيَ بِعورةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا». (احزاب: ۱۳)

۵. «بشیر بن ابیرق» (سارق الدرعین)، «ضحاک بن ثابت» (متهم به نفاق و دوستی با یهود)، «جلاس بن سویدین صامت» (پیش از توبه)، «معتب بن بشیر» و «رافع بن زید»، که به سبب نفاق و گمراهی آنها آیه نازل شد: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَ مَا

أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا». (نساء: ۶۰)

۶. «محمد بن قیس»، که به پیامبر ﷺ گفته بود: «یا محمد ائذن لی و لا تفتنی» که آیه در حق او نازل شد: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَ لَا تَفْتِنِّي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا...» (توبه: ۴۹)، ولی برخوردی از پیامبر ﷺ با او گزارش نشده است.

۷. «رافع بن حریمله»، که از مخالفان و منافقان بزرگ بود. وقتی او مُرد، پیامبر ﷺ فرمودند: «قدمات الیوم عظیم من عظماء المنافقین». اقدامی بر ضد او از طرف پیامبر ﷺ گزارش نشده است.

۸. «زید بن الصلیت»، که وقتی شتر پیغمبر ﷺ گم شد و همه به دنبال شتر می‌گشتند، او به کنایه و طعنه گفت: «چگونه ادعای پیامبری می‌کند، در حالی که نمی‌داند شترش کجاست؟» پیامبر ﷺ به علم غیب، جای دقیق شتر را فرمودند و اصحاب رفتند و همان جا شتر را یافتند، ولی برخوردی از پیامبر ﷺ با او گزارش نشده است.

۹. «عمیر بن وهب»، از قبیل‌های بنی‌جمع، که شیطان صفت بود و به بهانه‌ی آزادی پسرش، که در جنگ بدر اسیر شده بود، با شمشیری زهرآلود قصد جان پیامبر ﷺ داشت. پیامبر ﷺ به علم غیب قصد او را آشکار ساختند و او در دم اسلام آورد.<sup>۴۷</sup>

۱۰. «وحشی»، که در جنگ احد «حمزه»، عموی پیامبر ﷺ را به شهادت رساند و پیامبر ﷺ حکم قتل او را صادر کردند. او پس از فتح مکه، به طائف گریخت، ولی پس از مدتی، در وفد ثقیف، ناگهان، بر پیغمبر ﷺ وارد شد و شهادتین گفت و پیغمبر ﷺ او را بخشیدند، ولی به او فرمودند: «به جایی برو که دیگر تو را نبینم». او مسلمان شد و در جنگ‌های رده، مسیلمه‌ی کذاب را کشت.

۱۱. «هبارین اسود»، کسی که شتر زینب، دختر پیغمبر ﷺ را رم داد و از میان هودج به زمین افتاد و طفل خود را سقط کرد و خود نیز به دلیل همان مرض از دنیا رفت. پیغمبر ﷺ در فتح مکه خون او را هدر اعلان کرده بودند، ولی پس از مدتی، بر پیغمبر ﷺ وارد شد و گفت: «... می‌خواستم به عجم‌ها پناه ببرم، ولی فضل و بخشش تو را به یاد آوردم...». او

۴۷. کمالی، سیدعلی، خاتم‌النبین ﷺ، ص ۱۰۷.

تقاضای بخشش کرد و پیغمبر ﷺ او را عفو نمودند.

۱۲. «قیس بن ربیع»، که از سهم خود در عطایا ناراضی بود و پیغمبر ﷺ را هجو نمود، ولی خود به مدینه آمد و در ضمن اشعارش، پوزش خواست و مورد عفو پیغمبر ﷺ قرار گرفت.

۱۳. «عکرمه بن ابی جهل»، که پیغمبر ﷺ در فتح مکه، خون او را هدر اعلان کرده بودند، ولی به درخواست همسرش، پیامبر ﷺ او را بخشیدند. بعدها او در سپاه اسلام در شام، دلاورانه، جنگید.

۱۴. «مالک بن عوف»، فرمانده لشکریان «هوازن» بر ضد پیامبر ﷺ بود. او پس از شکست، به طائف پناه برد، ولی پیغمبر ﷺ فرمودند: «چهار ماه فرصت داری که به تحقیق درباره اسلام بپردازی؛ اگر در این مدت اسلام آوردی، در مکه می‌مانی، و گرنه از همان راهی که آمده‌ای، باز می‌گردی». او مسلمان شد و از جانب پیامبر ﷺ، رئیس طوایف «هوازن»، «ثماله» و «مسلمه» گشت و با مشرکان طائف جنگید.

۱۵. «ابن قیظی»، که نابینا بود. وقتی لشکریان اسلام به احد می‌رفتند، از زمین مقداری خاک برداشت و به روی مبارک پیامبر ﷺ پاشید و ناسزا گفت. اصحاب خواستند او را بکشند، ولی پیامبر ﷺ فرمودند: «او را رها کنید؛ هم چشمش کور است و هم دلش».

۱۶. «عبدالله بن ابی سرح»، مدتی کاتب وحی بود و گاهی به عمد، الفاظ وحی را تغییر می‌داد. سرانجام، مرتد شد و از مدینه فرار کرد. در فتح مکه، پیغمبر ﷺ خون او را هدر ساخته بودند، ولی با وساطت عثمان، در مکه بر پیغمبر ﷺ وارد شد و امان خواست. پس از مدتی، مورد رحمت و بخشش پیامبر ﷺ قرار گرفت.

۱۷. «انس بن زنیم»، که با اشعاری، پیامبر ﷺ را هجو نمود و پیامبر ﷺ نیز او را مهدورالدم خواندند، ولی در فتح مکه مورد عفو و بخشش پیامبر ﷺ قرار گرفت.

۱۸. «ابوسفیان بن حارث»، برادر رضاعی پیامبر ﷺ، که پس از فتح مکه با وساطت «ام سلمه» مورد عفو و بخشش رسول الله ﷺ قرار گرفت.

۱۹. «صفوان بن امیه»، که به سبب اقدام بر ضد مسلمانان، مهدورالدم اعلام شده بود، ولی پس از فتح مکه، مورد بخشش پیامبر ﷺ قرار گرفت.

۲۰. مدارا با یهودیان خیبر، که پس از فتح خیبر، پیامبر ﷺ آنان را نکشتند و زنان و

فرزندانشان را به اسارت نبردند.<sup>۴۸</sup>

۲۱. «حاطب بن ابی‌بلتعه»، که به خیانت، حرکت مسلمانان برای فتح مکه را توسط «ساره» به آگاهی قریش رساند و پیامبر ﷺ از طریق وحی، از این موضوع باخبر شدند، ولی برخورد خاصی از سوی ایشان با حاطب گزارش نشده است.

۲۲. نمونه‌ی کامل مدارای پیامبر ﷺ، بخشش سران کفر پس از فتح مکه است که فرمودند: «اذهبوا فأنتم الطلقاء...».

از موارد مزبور و نیز موارد دیگر به دست می‌آید که هدف نهایی پیامبر ﷺ، مسلمان شدن مردم و هدایت کردن آنها بود، نه انتقام گرفتن هنگام قدرت و اخلاق نیک رسول اکرم ﷺ یکی از عوامل پیشرفت اسلام به شمار می‌رود.

### نمونه‌هایی از مدارای پیامبر ﷺ با یهود

از جمله موارد مدارا و رحمت پیامبر ﷺ، مدارای ایشان با جوان یهودی است که به تحریک شاس‌بن قیس، بین اوس و خزرج فتنه ایجاد نمود و نزدیک بود عصبیت جاهلی در دو قبیله، به جنگ منجر شود، ولی با دخالت و نصیحت پیامبر ﷺ موضوع حل و فصل شد. پیامبر ﷺ با این که می‌دانستند فتنه در کجا ریشه دارد، ولی برخورد نکردند و با عامل یهودی فتنه مدارا نمودند.<sup>۴۹</sup>

نمونه‌ی دیگر، برخورد مهربانانه‌ی ایشان با مرد یهودی است که ادعا می‌کرد از پیامبر ﷺ طلبکار است. وی، روزی، در کوچه جلو پیامبر اعظم ﷺ را گرفت و مدعی شد که از ایشان طلبکار است. پیامبر ﷺ فرمودند: «من بدهکار تو نیستم. پولی هم همراه ندارم. اجازه بده بروم». یهودی گفت: «تا بدهی مرا ندهی، نمی‌گذارم از این جا بروی». هرچه پیامبر ﷺ با او لطف و نرمش نشان دادند، او بیشتر خشونت به خرج می‌داد تا جایی که با حضرت محمد ﷺ گلاویز شد؛ ردای پیامبر ﷺ را لوله کرد و دور گردن آن حضرت پیچید و کشید، به گونه‌ای که اثر قرمزی‌اش در گردن پیامبر ﷺ ظاهر شد. وقتی مسلمانان باخبر شدند،

۴۸. سبحانی، جعفر، *فروع‌ابدیت*، ص ۲۶۳.  
 ۴۹. وشنوی، محمدقوام، *حیاه‌النبی ﷺ و سیره‌ته*، ص ۳۲۱.

می‌خواستند با آن یهودی برخورد کنند، ولی حضرت 9 فرمودند: «کاری نداشته باشید. من خودم می‌دانم که با رفیقم چه کنم». حضرت 9 آن قدر نرمش و مدارا از خود نشان دادند که یهودی همان جا گفت: «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد انک رسول الله.» و ادامه داد: «تو با این قدرتی که داری، این همه تحمل نشان می‌دهی! این تحمل و صبر عادی نیست، بلکه تحمل پیامبرانه می‌باشد».<sup>۵۰</sup>

## روش حضرت علی 7 در برخورد با مخالفان

شیوهی برخورد علی 7 با مخالفان، حاصل جایگاه بلند حضرت 7 در عرصه‌های اعتقادی، علمی و اخلاقی بود که در رویارویی با شخصیت‌های مختلف در موقعیت‌های گوناگون شکل می‌گرفت.

امام علی 7 که تربیت‌شدهی دامان وحی و نبوت بودند، وجودی سرشار از علم به معارف اصیل اسلام داشتند و شیوهی برخورد با معضلات اجتماعی را به خوبی می‌دانستند. امام 7 پیش از آن که به رویارویی با مخالفان بپردازند، رفتارهای اجتماعی و اعتقادات افراد جامعهی عصر خویش را تربیت و اصلاح کردند و هدایت و روشنگری را در سرلوحه‌ی امور خویش قرار دادند. پس در این بستر مناسب، با علم و تدبیر والا، برخوردی نمونه و رفتاری شایسته با مخالفان داشتند و به پیروی از رسول خدا 9، اصل را بر مدارا با مخالفان گذاشتند و در صورتی که چنین رفتاری ممکن نبود، به تناسب شرایط زمان و شخصیت و انگیزه‌های مخالفان، مواضع دیگری در برابر آنان می‌گرفتند، به گونه‌ای که گاهی در برابر آنان سکوت اختیار می‌کردند، گاهی آنان را خیرخواهانه نصیحت می‌کردند یا از آنان انتقاد می‌نمودند.<sup>۵۱</sup>

## جایگاه دشمنان و مخالفان در نگرش تربیت اخلاقی امام علی 7

جایگاه مخالفان و دشمنان در نظام تربیتی حضرت علی 7 با اندیشه و عرف رایج بسیار فرق می‌کرد، زیرا مخالف و دشمن، در درجه‌ی نخست، انسان است و پاسداشت حرمت و کرامت انسان و ادای حقوق انسان‌ها، برای ایشان، که به اصول و ارزش‌های الهی و انسانی

۵۰. مطهری، مرتضی، سیری در سیره‌ی نبوی 9، ص ۲۰۷.

۵۱. وسیمه، اعظم، تعامل امام علی 7 با مخالفان، ص ۱۶۳.

پایبند بودند، گریزناپذیر بود؛ بنابراین، امام علی ۷، هیچ گاه، در پی نابودی مخالفان و دشمنانشان به مفهوم رایج آن برنیامدند.

### ۱. احترام به آزادی و اندیشه‌ی مخالفان

امیرمؤمنان ۷ برای آزادی و اندیشه‌ی مخالفان خویش، ارزش فراوانی قائل بودند و آن را حق آنان می‌دانستند؛ بنابراین، طبیعی بود که حق‌الناس را نادیده نگیرند و حقی را که برای احقاق آن حکومت را قبول کرده بودند،<sup>۵۲</sup> پایمال نسازند، هرچند مخالفان بر باطل و به دنبال خواسته‌های نابه‌جای خویش اصرار می‌ورزیدند. «طلحه» و «زبیر» پس از بیعت با علی ۷، در پی حکومت بصره و کوفه بودند، ولی حضرت ۷ امتناع کردند و در تقسیم بیت‌المال آنها را برتری نبخشیدند؛<sup>۵۳</sup> از این رو، آنان تصمیم گرفتند که از مدینه خارج شوند و به مکه بروند؛ به بهانه‌ی حج عمره برای اجازه نزد امام ۷ رفتند. حضرت ۷ فرمودند: «من دوست دارم همین جا بمانید»، ولی آنان بر رفتن اصرار کردند. حضرت ۷ فرمودند: «به خدا برای عمره نمی‌روید، بلکه حيله و نیرنگی در کارتان است و می‌خواهید به بصره بروید». گفتند: «ما به جز عمره چیزی نمی‌خواهیم». حضرت ۷ فرمودند: «سوگند بخورید که در امور مسلمانان فساد نخواهید کرد و بیعت خویش را با من نخواهید شکست و در فتنه و آشوب نخواهید کوشید». طلحه و زبیر سوگند خوردند و اطمینان دادند که نقض بیعت و فتنه و فساد نخواهند کرد. پس از آن، «ابن‌عباس» نزد علی ۷ آمد و حضرت ۷ به او گفتند که پس از گرفتن قول و اطمینان دادن طلحه و زبیر مبنی بر اغتشاش و فتنه نکردن، به آنان اجازه داده‌اند که به مکه بروند. سپس فرمودند: «ای ابن‌عباس، آنان قصدی جز فتنه و جنگ با من ندارند». ابن‌عباس گفت که اگر مسئله این قدر برای شما روشن است، چرا به آنان اجازه دادید که بروند و چرا آنان را زندانی و مجازات نکردید تا مسلمانان از شرشان آسوده گردند؟ حضرت ۷ در پاسخ فرمودند: «ای ابن‌عباس، آیا به من امر می‌کنی که به ظلم آغاز کنم و پیش از نیکی، بدی مرتکب شوم و براساس ظن و تهمت عقوبت کنم و پیش از وقوع عمل، بر آن مؤاخذه کنم؟! هرگز! به خدا، با عدالت رفتار می‌کنم که خداوند

۵۲. شهیدی، سیدجعفر، ترجمه‌ی نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۳۳، ص ۳۴.

۵۳. مقدس اردبیلی، احمدبن محمد، حدیث‌الشیعه، ص ۳۲۴.

به حکمرانی بر عدل از من عهد و پیمان گرفته است».

طلحه و زبیر از مخالفان و دشمنان حضرت علی 7 بودند. اگرچه دشمنی اینان از ابتدا صریح و آشکار نبود، ولی برای امام 7 کاملاً روشن بود که آنها برای ایجاد فتنه و اغتشاش عازم مکه و بصره هستند، چنان که پیش‌بینی خود را نیز به صراحت به ابن‌عباس گفتند. حضرت 7 به عنوان حاکم اسلامی و در اوج قدرت می‌توانستند آنان را به ماندن در مدینه وادارند و حتی می‌توانستند آنان را حبس و تبعید کنند، ولی به آشوب، اغتشاش و تضعیف حکومت خود تن دادند، چون به اصول اخلاقی و عدالت پایبند بودند. مجازات عملی که انجام نشده است و قصاص پیش از جرم، با منطق عدالت سازگار نیست و دلیل امام 7 هم همین بود. به هر حال، امیرمؤمنان 7 آزادی کسانی را، که می‌دانستند مخالفش هستند، محدود نکردند و اندیشه‌ی آنان را محترم شمردند.

همچنین درباره‌ی یکی دیگر از مخالفان و دشمنان امام 7، که بعداً دست به شمشیر برد، یکی از یاران امام 7 گفت: «سزاوار است، اکنون، او را دستگیر و زندانی کنیم». حضرت 7 فرمودند: «اگر قرار باشد هر کسی را به صرف اتهام دستگیر کنیم، زندان‌ها پر از مردم می‌شوند. من نمی‌توانم پیش از این که مردم مخالفت خود را آشکار کرده باشند، آنان را دستگیر، زندانی یا عقوبت کنم». البته مخالفت آن شخص آشکار بود و شاید منظور امام 7 اقدام عملی و خشونت‌آمیز بر ضد حکومت بود.

#### ۲. توهین نکردن در برابر هتک حرمت کردن دیگران

یکی از اهداف علی 7 در دوران حکومتشان، افزایش سطح فکر مردم تا آنان مسائل را با اندیشه، تعقل و استدلال بفهمند و درک کنند. دشنام و توهین، از جمله مواردی است که باب تفکر و تعقل را می‌بندد و کسی که به دشنام و توهین متوسل می‌شود، از کم‌خردی و ضعف استدلال و منطق خود پرده برمی‌دارد. در جنگ صفین، حضرت 7 شنیدند که گروهی از یارانشان به معاویه و شامیان دشنام می‌گویند و توهین می‌کنند؛ آنان را از این کار منع کردند و فرمودند:

«من خوش ندارم شما دشنام‌گو باشید، ولی اگر کرده‌های آنان را بازگوئید و حالشان را فریاد آرید، به صواب نزدیک‌تر است و در عذرخواهی رساتر؛ به جای دشنام بگوئید: خدایا،

ما و ایشان را از کشته شدن پرهان و میان ما و ایشان سازش برقرار گردان و از گمراهی‌شان به راه راست برسان تا آن که حق را نمی‌داند، بشناسد و آن که برای دشمنی می‌رود و بدان آزمند است، بازایستد».<sup>۵۴</sup>

شاید به ذهن برسد که در گرماگرم نبرد، آن هم جنگی مهم و سرنوشت‌ساز همچون صفین، چه جای درس اخلاق گفتن و ادب و آداب یاد دادن به سپاهیان بود. از سوی دیگر، در هر جنگی، فرمانده و رهبر آن اگر بر حق باشد، از هر راهی می‌کوشد حقد و کینه‌ی مقابل را در دل سربازان خویش تقویت کند و آنان را بر ضد دشمن برانگیزد. همچنین معاویه و اطرافیانش به حدی فاسق و فاجر بودند که هر گونه توهین و دشنام به آنان روا به نظر می‌رسید و حتی در خورشان بود. افزون بر این، اگر حضرت 7 با دشنام دادن به معاویه و سپاهیانش مخالف بودند، چرا در حق آنان دعا کردند که خدا آنان را از کشته شدن حفظ کند، مگر نه این که هر لشکری، مرگ طرف مقابل را می‌خواهد و برای کشتن او آماده است. دعا برای حفظ خون و جان او، نقض غرض به شمار می‌رود. از سوی دیگر، دعا برای برقراری صلح، سازش و هدایت دشمن به راه راست، در بحبوحه‌ی جنگی سرنوشت‌ساز چه معنا دارد؟ اگر ما همه‌ی حکومت‌های بشری را از نزدیک به هزار سال پیش از علی 7 تا زمان حاضر به اجمال بررسی کنیم، شاید نتوانیم حاکم و حکومتی بیابیم که با دشمن در حال جنگ خود این گونه برخورد کرده باشد. تمام اینها ممکن است در عرف سیاست، غیرعقلانی قلمداد شود، ولی با مبانی اخلاقی و اعتقادی امام 7 سازگار است. هدف حضرت 7، آگاه ساختن مردم و احیای ارزش‌های اخلاقی در جامعه بود و جنگ امام 7 با معاویه نیز برای همین منظور صورت گرفت. از نظر حضرت 7، هنر حکومت، خون‌ریزی و کشتن افراد نیست، اگرچه دشمن باشند، بلکه تکریم انسان، هدایت انسان و زمینه‌سازی برای تکامل و تعالی او، هدف اصلی است.

### ۳. تعرض نکردن به توهین‌کنندگان

چنان که گفتیم، کسی که در تعاملات سیاسی-اجتماعی به توهین و هتک حرمت متوسل

۵۴. شهیدی، سیدجعفر، ترجمه‌ی نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲۰۶، ص ۲۴۰.





می‌شود، به احتمال قوی، سخن منطقی و مستدل برای گفتن ندارد. جامعه‌ی بشری و به ویژه عرصه‌ی سیاست، قواعدی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها گفت‌وگو است. مهم‌تر از این، اساسی‌ترین وجه تمایز انسان از حیوان، گویا بودن به معنای تفکر و اندیشه است که به وسیله‌ی زبان تجلی می‌یابد و محقق می‌شود. در گفت‌وگو، طرفین می‌کوشند سخن یکدیگر را درک کنند و سپس در دفاع از خود یا رد طرف مقابل، با تعقل و تفکر به استدلال بپردازند. در این میان، افراد و گروه‌هایی که تعقل و تفکر عمیق و استدلال قوی ندارند، معمولاً با خشم و عصبانیت به شیوه‌های دیگری متوسل می‌شوند که دشنام، توهین و هتک حرمت از جمله‌ی آنهاست. البته افراد ضعیف‌النفس به این شیوه توسل می‌جویند و کسانی که از سجایای اخلاقی چندان بهره‌ای نبرده‌اند، به توهین و هتک حرمت دیگران راضی می‌شوند. مخالفان علی 7، گاهی، ایشان را مورد توهین و هتک حرمت قرار می‌داد و حضرت 7 کریمانه می‌گذشتند و متعرض آنان نمی‌شدند. مخالفان، بارها، امام علی 7 را مورد توهین و دشنام قرار می‌دادند، ولی حضرت 7 با روی خوش به آنان می‌فرمودند: «اگر مایل باشید، حاضرم با شما بحث کنم.» و گاهی نیز با آنان بحث و استدلال می‌فرمودند.<sup>۵۵</sup>

روزی، حضرت 7 مطلبی فرمودند. یکی از خوارج، که آن جا بودند، گفت: «خدا بکشد این مرد را؛ چه قدر فقه می‌داند. اطرافیان شمشیر کشیدند که او را، که به رهبر جامعه توهین کرده بود، بکشند، ولی حضرت 7 مانع شدند و فرمودند: «آرام باشید. او دشنامی داده و پاسخش دشنام است و البته بخشودن گناه او شایسته‌تر می‌باشد.» و او را بخشیدند. گاهی نیز خوارج دسته‌جمعی در انظار عمومی به حضرت 7 اهانت و توهین می‌کردند، ولی حضرت 7 در پاسخ، آنان را نصیحت می‌نمودند و به بحث و گفت‌وگو فرامی‌خواندند تا حقایق روشن شود.<sup>۵۶</sup> پس از جنگ جمل، «صفیه»، مادر طلحه، تا امام 7 را دید، با اهانت فریاد زد: «خدا فرزندان تو را یتیم کند که فرزندانم را یتیم کردی.» حضرت 7 اعتنایی نفرمودند. او چندین بار سخن و اهانت خود را تکرار کرد. یکی از همراهان امام 7 خشمگین شد و به حضرت 7 گفت: «یا امیرالمؤمنین 7، چرا پاسخش را نمی‌دهید؟»

۵۵. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی فتح، کشف‌الغمه فی معرفة‌الائمة .، ص ۱۳۳.

۵۶. صلواتی، محمود، خارجگیری، ص ۱۱۴.

حضرت 7 فرمودند: «مگر خداوند به ما امر نکرده است که به زن‌ها تعرض نکنیم، اگر چه کافر باشند؟ پس چگونه می‌شود به زن‌های مسلمان تعرض کرد؟»<sup>۵۷</sup>

#### ۴. نفی خشونت و خون‌ریزی

معمولاً اعمال خشونت و بروز خون‌ریزی، در برابر مخالف و دشمن معنا می‌یابد، ولی به هر حال در خشونت و خون‌ریزی، طرف مقابل هر که و با هر عقیده‌ای باشد، انسان است و مخلوق خداوند به شمار می‌رود و خداوند جان، اعضا و جوارح به او عطا فرموده و لازمه‌ی خشونت این است که انسان‌ها به جان هم بیفتند و یکدیگر را نابود سازند یا ناقص کنند. حضرت علی 7 تحت هیچ شرایطی خشونت و خون‌ریزی را روا نمی‌دانستند. به دلایل مختلف عقلی، نقلی و سیاسی-اجتماعی، امام 7 پس از رسول گرامی اسلام 9 باید قدرت را به دست می‌گرفتند، ولی برای مدت طولانی و چند دوره حکومت، از حق خود چشم پوشیدند و از اهرم‌هایی که می‌توانستند استفاده نمایند، بهره نبردند. حضرت 7 یکی از مهم‌ترین دلایل این امر را پیش‌گیری از بروز خشونت و خون‌ریزی در جامعه بیان می‌کردند. امیرمؤمنان 7 در حکومت خود، به شدت، از خشونت و خون‌ریزی پرهیز می‌نمودند و ابا داشتند و خشونت و خون‌ریزی با اهداف و مبنای فکری امام علی 7 سازگار نبود، زیرا هدف ایشان از قدرت و حکومت، ساختن جامعه‌ای آباد با وفور نعمت بود که عدالت در جامعه و نظام سیاسی جاری باشد و ضعیف بتواند در چارچوب نظام سیاسی، بدون لکنت زبان حق خود را از قوی بگیرد.<sup>۵۸</sup> بنیان جامعه‌ای آباد و استقرار عدالت در سطح اجتماع و نظام سیاسی، نه با خشونت و خون‌ریزی، که با امنیت و آرامش امکان‌پذیر است. حضرت 7 با خشونت و خون‌ریزی موافق نبودند؛ به همین دلیل، به فرزندشان، امام حسن 7، فرمودند: «هرگز کسی را برای مبارزه دعوت نکن.»<sup>۵۹</sup> و به حاکم مصر سفارش کردند که از صلحی که دشمن، تو را بدان فرامی‌خواند و رضای خدا در آن است، روی متاب که صلح، سبب آرامش سربازان، از بین رفتن غم‌ها و امنیت شهرها می‌شود. همچنین به

۵۷. علی‌خانی، علی‌اکبر، جایگاه دشمنان و مخالفان در تکرش سیاسی امام علی 7، ص ۵۱.

۵۸. نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳، ص ۳۳۶.

۵۹. العقاد، عباس محمود، عبقریه‌ی امام علی 7، ص ۲۱.

حاکم فارس نوشتند: «کار به عدالت کن و از ستم و بیداد بپرهیز، زیرا ستم موجب آوارگی مردم می‌شود و بیدادگری، شمشیر به میان می‌آورد».<sup>۶۰</sup>

## ۵. اخلاق‌مداری در جنگ و برافروختن با دشمن

کسی که به اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی معتقد است، در هیچ شرایطی برخلاف اصول خود عمل نمی‌کند. البته ممکن است انسان به چیزهایی عادت نماید یا به بعضی شیوه‌های رفتاری خو بگیرد که در شرایط خاص و بحرانی مجبور شود عادات و رفتارهای خود را تغییر دهد و به آسانی نیز این کار را خواهد کرد، ولی اعتقادات و باورهای انسان، که به نوعی ریشه در شخصیت انسانی او دارد، جزو ماهیت او به شمار می‌رود و به آسانی تغییرپذیر نیست. ایمان به باورهای اخلاقی و پایبندی به اصول و ارزش‌های الهی و انسانی، از این گونه‌اند، زیرا هویت انسان در پایبندی به ارزش‌ها و اعتقادات اوست و بدون آنها احساس پوچی و بی‌هویتی خواهد کرد. علی 7 به اصول و ارزش‌های اخلاقی و انسانی اعتقاد داشتند و موجب می‌شد به هیچ روی اصول خود را زیر پا نگذارند، مگر آن که بخواهند بر سر اصول و ارزش‌های اخلاقی معامله کنند و به بهای قدرت، حکومت یا پیروزی بر دشمن، اصول و ارزش‌های اخلاقی خود را زیر پا نهند که از شخصیت باعظمت و دامن مقدس ایشان به دور بود. در پایبندی به اخلاق و ملکات انسانی، دوست و دشمن، فقیر و غنی، داخل و خارج، جنگ و صلح و غیر آن فرق نمی‌کند. انسان مقید به اخلاق، در هر حال و همه جا مقید است، زیرا باورها و اعتقادات اخلاقی، الهی و انسانی، سرشت او را سرشته‌اند.

امام علی 7 در جنگ‌ها و در برخورد با دشمنانشان نیز به اصول اخلاقی و انسانی خود مقید بودند. حضرت 7 در جنگ‌ها، پیش از نبرد، به یاران خود سفارش می‌کردند و حتی در هنگام جنگ منادی می‌فرستادند و دستور می‌دادند که هیچ فراری و زخمی را نکشید، عورتی را آشکار مکنید و هیچ کشته‌ای را مُثله ننمایید. سپس توصیه می‌کردند که چون به محل سکونت و اردوی دشمن رسیدید، پرده‌ای را پاره نکنید و بدون اجازه وارد نشوید و چیز از اموال آنان را نگیرید، مگر اموالی که در اردوگاهشان یافته باشید و هیچ زنی را

آزار ندهید، هر چند به شما و فرماندهان و نیکوکارانتان دشنام دهد و ناسزا گوید.<sup>۶۱</sup> پس از جنگ جمل، صفیه، مادر طلحه، به شدت، به حضرت علی ۷ توهین کرد، در حالی که در همان خانه، اتاق‌هایی همانند مخفیگاه، مملو از مجروحانی بود که با حضرت ۷ جنگیده بودند. حضرت ۷ نه پاسخی به زن توهین‌کننده دادند و نه متعرض مجروحان شدند، فقط اشاره‌ای کردند که می‌دانند این ساختمان پر از مجروحان جنگ است و گذشتند تا دست‌کم طرف مقابل دست از دشنام و گستاخی بردارد.

## مواردی از تساهل نداشتن در اسلام

### ۱. انعطاف‌ناپذیری در برنامه‌های دینی

در برنامه‌ها و آموزه‌های دینی انبیا، شامل عقاید، احکام و اخلاق، که با ادله‌ی قطعی جزو دین برشمرده می‌شوند، به هیچ وجه نمی‌توان مسامحه کرد. به این بهانه که مردم نمی‌پذیرند و دردرساز و مشکل‌آفرین هستند، نمی‌توان آنها را مورد مسامحه قرار داد. نهضت انبیا با قاطعیت، درصدد به اجرا در آوردن و تثبیت حقایق دین به جای عقاید باطل گذشته بوده است، اگرچه مشرکان به مخالفت برمی‌خاستند، ولی تأثیری در روند حرکت انبیا نداشت و هیچ اقدامی در برابر حرکت انبیا بی‌پاسخ نماند، به ویژه پس از استقرار حکومت اسلامی در مدینه، برخوردهای پیامبر ۷ شدیدتر شد.

### ۲. تساهل نداشتن در حدود الهی

از نظر اسلام، اگر اقدام مخالفان منافع شخصی انسان را به خطر اندازد و عفو و مدارا، ظلم‌پذیری و ذلت نباشد، شایسته است انسان شیوه‌ی مدارا و تساهل در پیش بگیرد، ولی اگر اقدام مخالفان در تعارض با حدود الهی باشد، چون رعایت حدود الهی مقدم بر شخصیت انسانی است و شأن انسانی در گرو رعایت حقوق الهی می‌باشد، مسامحه جایی ندارد و باید به اقدام عملی روی آورد.

مهم‌ترین اقدام عملی که در اسلام تأکید فراوان بر آن شده، امر به معروف و نهی از منکر است که شروط و مراحلی دارد، ولی کم‌ترین ثمره‌ی آن نظارت عمومی و حراست از احکام و حدود الهی است.

۶۱. نویری، شهاب‌الدین احمد، *نهاية‌الارب*، ص ۱۵۲.

حضرت علی 7 می‌فرماید: «مسلمانی که شکسته شدن حدود الهی را ببیند، ولی واکنشی از خود نشان ندهد، مرده‌ای است بین زندگان».

مهم‌ترین وظیفه‌ی حکومت اسلامی و فلسفه‌ی تأسیس آن، اجرای احکام و حدود الهی است؛ از این رو، برخورد قاطع پیامبر 9 در صدر اسلام با متخلفان را شاهدیم و در آیات قرآن نیز بر اجرای احکام و حدود الهی تأکید شده است، مانند اجرای حد زن و مرد زناکار، شارب خمر و سارق.

### ۱۳. تسامح نکردن در عدالت اجتماعی و حقوق مردم

هدف کلی ادیان الهی، برقراری موازین عدالت اجتماعی است تا زمینه‌ی تکامل اخلاقی و معنوی همه‌ی افراد پدید آید. در مواردی که حقوق شخصی مطرح است، می‌توان تسامح نمود، ولی جایی که عدالت اجتماعی و حقوق افراد دیگر مطرح می‌باشد، تسامح در کار نیست و باید با قاطعیت برخورد کرد. نمونه‌های متخلفان اجتماعی که در صدر اسلام از سوی پیامبر 9 و دوران ائمه‌ی اطهار : با آنان برخورد شد، عبارت‌اند از:

۱. غارتگران اموال بیت‌المال که به شدت با آنان برخورد می‌شد، به ویژه دستورها و تویخ‌های فراوانی از دوران حکومت امام علی 7 خطاب به والیان متخلف رسیده است.<sup>۶۲</sup>

۲. اخلاک‌گران امنیت اجتماعی که در این زمینه بعد مادی امنیت اجتماعی را شامل می‌شود (مانند سرقت) و بعد معنوی و فکری امنیت جامعه را نیز فرامی‌گیرد که ارتداد و بدعت، نمونه‌های اخلاک‌فکری جامعه‌اند.

حضرت علی 7 در پاسخ «عبیدبن بشر خثعمی» درباره‌ی کیفر راهزن فرمود: «کسی که راه را گرفته و انسانی را کشته و اموالی نیز برده است، دست و پایش بریده و به دار آویخته می‌شود. کسی که فقط راه را گرفته و انسانی را کشته و مالی نبرده است، کشته می‌شود و کسی که راه را بسته و فقط مالی برده است، دست و پایش بریده می‌شود و کسی که راه را گرفته، ولی مالی را نبرده و کسی را هم نکشته است، تبعید می‌گردد».<sup>۶۳</sup>

۶۲. عبدالمجیدی، حسین، *تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و عترت*، ص ۲۸.

۶۳. رزاقی موسوی، سیدقاسم، *مدارا با مخالف و مبارزه با معاند در سیره‌ی نبوی 9*، ص ۱۹.

## نقش اخلاق اهل بیت : در جذب مخالفان

یکی از عوامل مؤثر در جذب مخالفان، توجه ائمه : به رعایت اخلاق حسنه بوده است. آنان با اخلاق و کردار نیکویشان، مخالفان را به سوی صراط مستقیم جذب می‌کردند و با رعایت مصالح و شرایط طرف مقابل، گاهی، با عفو و گذشت، گاهی، با ایثار و فداکاری، گاهی، با حلم و بردباری و همیشه با عدالت و انصاف و گاهی با بذل و بخشش و رعایت کرامت انسان‌ها و... افراد را به سوی اسلام متمایل می‌ساختند. اگر این سیره‌ی اخلاقی نبود، اسلام رشد نمی‌کرد. پیامبر اکرم <sup>۹</sup> فرمودند: «الْخَلْقُ وَعَاءُ الدِّينِ؛<sup>۶۴</sup> اخلاق، ظرف دین است.» و نیز فرمودند: «حُسْنُ الْخُلُقِ يُثْبِتُ الْمَوَدَّةَ؛<sup>۶۵</sup> اخلاق نیکو، مودت و محبت را استوار می‌کند.» پس در این عنوان، مواردی از سیره‌های اخلاقی اهل بیت :، که برای جذب مخالفان بوده است، بیان می‌شود تا الگویی برای ترویج دین، جذب مخالفان و هدایت انسان‌ها به صراط مستقیم باشد.

### - عفو و گذشت

یکی از اصول ثابت سیره‌ی فردی اهل بیت :، عفو و گذشت از مخالفان بود که به حقوق شخصی آنها تعدی کرده بودند، ولی آنها بر ظلم خود نادم گشته، در محضر اهل بیت : به ظلم و خطای خود اقرار کردند.

اهل بیت : آنها را با کرم و جوانمردی عفو می‌نمودند و آنها به اهل بیت : ایمان می‌آوردند و از نعمت ایمان سرافراز می‌شدند.

گذشت در جایی بیشتر مفید جذب و جلب می‌شود که شخص بر دشمن خود غالب گردد و بر انتقام قدرت داشته باشد، ولی به دلیل پشیمانی دشمن، او را عفو نماید.<sup>۶۶</sup>

### - ایثار و فداکاری

یکی از عوامل مؤثر در جذب مخالفان، ایثار و فداکاری اهل بیت : است. آنها دیگران را بر خویش مقدم می‌دانستند، خود گرسنه می‌ماندند، ولی دیگران را سیر می‌کردند، تشنه

۶۴. هندی، علاءالدین، کنز العمال، ح ۱۳۷، ۵.

۶۵. تحف العقول، ص ۴۵.

۶۶. زیدی، سید محسن مهدی، سیره‌ی اهل بیت :، در جذب مخالفان، ص ۲۳.

می ماندند، ولی دیگران را سیر می کردند و ...

خداوند می فرماید: «... وَ يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...»<sup>۶۷</sup> ... آنها را بر خود مقدم می دارند، هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند...». همچنین امیرمؤمنان 7 می فرماید: «الْإِيثَارُ عَلَى الْإِيْمَانِ؛<sup>۶۸</sup> ایثار و فداکاری، بالاترین ایمان است». بر مسلمانان لازم است نیازهای تازه مسلمانان را برطرف کنند تا از دین برنگردند و ایمانشان قوی شود و نیز وقتی دیگران این ایثار را ببینند، به سوی اسلام جذب می شوند.

### - حلم و بردباری

یکی از عوامل مؤثر در جذب مخالفان، حلم و بردباری اهل بیت : بود. آنها پاسخ رفتارهای بد ناآگاهان را با بدی نمی دادند. اگر فریب خوردگان بدزبانی می کردند، عصبانی نمی شدند، بلکه کظم غیظ می کردند و با سخن نیکو از آنها احوال پرسی می نمودند و نیازهای آنها را برطرف می ساختند. در نتیجه، فریب خوردگان، حق و باطل را از هم تشخیص می دادند و به راه مستقیم هدایت می شدند.

«وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»<sup>۶۹</sup> خداوند دانا و بردبار است. و اهل بیت : مظهر علم و حلم پروردگار هستند.

### - عدالت و انصاف

یکی از سیره های اخلاقی اهل بیت : در جذب مخالفان، رعایت عدالت و انصاف است. حتی وقتی که بر دشمن غلبه داشتند نیز با آنها به عدالت و انصاف رفتار می کردند، هر چند به ضرر خودشان بود. اینها مظهر عدالت و انصاف الهی در زمین هستند. خداوند می فرماید: «وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۷۰</sup> ما آنها را با کتاب و میزان فرستادیم تا مردم به عدل قیام کنند».

۶۷. حشر: ۹.

۶۸. نحر/الحکم، ج ۱، فصل اول، ص ۴۶، ح ۹۹۴.

۶۹. نساء: ۱۲.

۷۰. حدید: ۲۵.

امیرمؤمنان 7 می‌فرمایند: «بِالْعَدْلِ تَتَّصَعَفُ الْبِرَّكَاتُ؛<sup>۷۱</sup> عدالت ورزیدن برکات را دوچندان می‌کند».

### - شجاعت و توانمندی

یکی از عوامل مؤثر در جذب مخالفان، شجاعت و توانمندی اهل‌بیت است. چون مخالفان بر طاقت و توانمندی خود بنازند و اظهار کبر، خودنمایی و خودخواهی کنند و بر تهی‌دستان و مستضعفان ستم روا دارند و در برابر حق و حقانیت گردن‌کشی کنند و بخواهند حق را خار نمایند، باید بینی این مخالفان مستکبر و طاغوت‌مآب به خاک مالیده شود.

اهل‌بیت : با توانمندی و شجاعت، مستضعفان و مظلومان را یاری می‌کردند و حق را با شجاعت و توانمندی با مخالفان روشن می‌نمودند و آنها را به سوی حق جذب می‌کردند.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ...»<sup>۷۲</sup> هر نیرویی که در توان دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید...».

حضرت امیرمؤمنان 7، درباره‌ی شجاعت می‌فرمایند: «الشَّجَاعَةُ نُصْرَةٌ حَاضِرٌ وَ فَضِيلَةٌ [قَبِيلَةٌ] ظَاهِرَةٌ»<sup>۷۳</sup> شجاعت، نصرت و یاری است - که همه وقت - حاضر است و فضیلت ظاهر می‌باشد».

### - بذل و بخشش (احسان)

یکی از عوامل مؤثر در جذب مخالفان، بذل و بخشش و احسان اهل‌بیت است. به مخالفان است و هیچ موجودی در خلق خداوند نیست که تحت احسان و مرهون منت این بزرگواران نباشد. آنان، گاه، به دشمنان سرسخت خویش نیز احسان می‌کردند و آنها را به راه حق جذب می‌نمودند و دشمنی آنها را تبدیل به دوستی و محبت می‌کردند. پیامبر اکرم 9 در فضیلت احسان می‌فرمایند: «أَحْسِنْ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ؛<sup>۷۴</sup> به کسی که به تو بدی کرده است، احسان کن».

۷۱. غرر/الحکم، ص ۴۴۶، ح ۱۰۲۲۶.

۷۲. انفال: ۶۰.

۷۳. غرر/الحکم، ص ۲۵۹، ح ۵۵۳۰.

۷۴. مجلسی، محمدباقر، بحار/الانوار، ج ۷۷، ص ۱۷۱.



حضرت امیرمؤمنان 7 می‌فرمایند: «الْإِنْسَانُ عَبْدٌ لِإِحْسَانٍ»؛<sup>۷۵</sup> انسان، بنده‌ی احسان است». همچنین می‌فرمایند: «بِالْإِحْسَانِ تُمْلِكُ الْقُلُوبَ»؛<sup>۷۶</sup> با احسان، قلب‌ها را مالک می‌شوی». اسلام بر جوان‌مردی و بزرگواری با انسان‌ها تأکید بسیار کرده است. اگر سائل از دشمنان باشد، باز هم نباید به او پاسخ رد داد و اگر پناه بخواهد، باید او را پناه داد تا زمینه‌ی هدایت و جذب او فراهم شود.

### -رعایت کرامت انسان‌ها

یکی از عوامل مؤثر جذب مخالفان، رعایت کرامت انسان‌ها توسط اهل‌بیت : است. کرامت در لغت، به مصدر کَرَمٌ يُكْرِمُ است، به معنای گرامی و بزرگواری شدن، بزرگی ورزیدن، جوان‌مرد بودن، بخشش داشتن، گران‌مایه و پرمقدار شدن و به معنای بزرگی نیز آمده است که نتیجه‌ی همه‌ی این معانی، احترام طرف مقابل است. اهل‌بیت : در رفتار با مردم، همیشه، کرامت انسانی را رعایت می‌کردند، هرچند طرف مقابل دشمن و قاتل بود. حضرت امیرمؤمنان 7 درباره‌ی قاتل پلید خویش -اگرچه از دایره‌ی انسانی خارج شده و بلکه مصداق تام «... بَلْ هُمْ أَضَلُّ...» بود- کرامت انسانی نشان دادند و به امام حسن 7 سفارش کردند که از شیری که به ایشان می‌دهند، به «ابن‌ملجم» هم بدهند و اگر زنده ماندند، خودشان می‌دانند و اگر زنده نماندند، او را با یک ضربه قصاص کنند. امام حسین 7 نیز لشکر حر را سیراب کردند، در حالی که آنها برای قتل حضرت 7 آمده بودند (و همه‌ی کتب تاریخ و مقاتل بر این مطلب شهادت می‌دهند) و... . برای اهل‌بیت :، فقیر و غنی، کوچک و بزرگ و آزاد و غلام هیچ فرقی نداشت.

### -وفای به عهد

یکی از عوامل مؤثر در جذب مخالفان، وفای به عهد و پیمان اهل‌بیت : است. آنها، همواره، به عهد و پیمان خود پایبند بودند و به آن وفا می‌کردند. تفسیر «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و «المؤمنون عند شروطهم» در رفتار ایشان تجسم می‌یابد. آنها با هر که عهد و پیمان می‌بستند، به آن وفا می‌کردند، حتی به دشمن خود؛ به همین دلیل، مخالفان به سوی آنها

۷۵. غررالحکم، ص ۳۸۵.

۷۶. همان جا.

جذب و مالمال از ایمان می‌شدند.<sup>۷۷</sup>

## نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد، به دست می‌آید که مدارا عبارت است از رفتار همراه با نرمی و تسامح در جایی که به صورت عادی و معمول، انتظار برخورد و شدت عمل وجود دارد. این واژه در فارسی، مرادف با «رفق» در زبان عربی نیز به کار برده می‌شود. مدارا با سازش فرق دارد؛ مدارا در جایی است که کوتاه آمدن سبب آسیب به اصول و اساس اسلام نشود یا کوتاه آمدن در منافع شخصی و گذشت از خویشتن است، در صورتی که سازش، کوتاه آمدن در اصول برای رسیدن به منافع شخصی و خصوصی است. پیشوایان دین - پیامبر ﷺ و جانشینان بر حقشان - این اصل را تا جایی که دین اجازه می‌داد، در سیره‌ی اخلاقی، تربیتی، سیاسی و اجتماعی خویش به کار می‌بستند و هر گاه با یکی از اصول اسلام تعارض می‌یافت یا مصالح حکومت و جامعه‌ی اسلامی به مخاطره می‌افتاد، با قاطعیت عمل می‌کردند. با این حال، هنگامی که مجبور به برخورد می‌شدند، تا حد امکان مدارا می‌ورزیدند. قاطعیت همراه با مدارای پیشوایان، در رویارویی پیامبر ﷺ با سازندگان مسجد ضرار و امام علی 7 در برخورد با شورشگران ناکثین، قاسطین و مارقین آشکار می‌شود.

در بررسی سیره‌ی عملی پیامبر ﷺ و برخورد ایشان با مخالفان باید گفت که با توجه به وظیفه‌ی اصلی پیامبران مبنی بر هدایت جامعه و سعادت و کمال و ابلاغ پیام الهی، اصل اساسی حاکم بر رفتار آنها، به ویژه پیامبر اسلام ﷺ، اصل رحمت، محبت و شفقت بود، یعنی هدف اصلی ایشان، جذب مردم به سوی خود و دین مبین اسلام بود. وقتی هدف چنین باشد، رفتار نیز متناسب با آن خواهد بود. آنچه بیشتر در رفتار نبوی ﷺ بروز داشت و جلوه می‌نمود، مدارا با مخالفان بود، یعنی تا جایی که ممکن بود، پیامبر ﷺ مدارا می‌نمودند و از خطاها چشم‌پوشی می‌کردند، ولی وقتی مخالفان اساس دعوت پیامبر ﷺ و اصول تغییرناپذیر دین را هدف قرار می‌دادند و به اقدامات عملی در این راه دست می‌زدند، دیگر مدارا و مسامحه جایی نداشت و پیامبر ﷺ چاره‌ای جز برخورد همراه با خشونت نداشتند و این نوع برخورد، همواره، با هدف حفظ دین و هدایت از مردم صورت می‌گرفت.

۷۷. زیدی، سیدمحسن مهدی، سیره‌ی اهل بیت، در جذب مخالفان، ص ۴۹.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه‌ی صبحی صالح، قم، دارالهجره، بی تا.
۳. آمدی، عبدالواحد محمد، غرر الحکم و درر الکلام، بیروت، مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، اللهوف علی قتلی الطفوف، تحقیق فارس تبریزیان، بی جا، دارالاسوه للطباعة، ۱۴۱۴ق.
۵. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان‌العرب، بی جا، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ق.
۶. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۷. احسانی، سید محمد، مدارا با مخالفان در سنت و سیره‌ی پیشوایان معصوم، نشریه‌ی معرفت، سال نوزدهم، ش ۱۵۶.
۸. اربلی، علی بن عیسی، کشف‌الغمه فی معرفة‌الائمة، تبریز، بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ش.
۹. اربلی، علی بن عیسی، کشف‌الغمه فی معرفة‌الائمة، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.
۱۰. اردبیلی، احمد بن محمد مقدس، حدیقه‌الشیعیه، تهران، انتشارات علمی‌الاسلامیه.
۱۱. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن، ج ۲، بی جا، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۶ش.
۱۲. الحرافی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه، تحف‌العقول، بیروت، مؤسسه‌ی الاعلی للمطبوعات، ۱۹۷۴م.
۱۳. العقاد، عباس محمود، عبریه‌الامام علی، بیروت، مکتبه‌العصریه، ۱۲۸۶ق.
۱۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۹۵۹م.
۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف: تحقیق محمد حمیداله، مصر، دارالمعارف، ۱۹۵۹ق.
۱۶. حرانی، ابن شعبه، تحف‌العقول، ق ۴، تهران، مکتبه‌الصدوق، ۱۳۷۶ش.
۱۷. حمیدی، حسین علی، بردباری و ملاطفت در سیره‌ی تربیتی امامان، فصل‌نامه‌ی اندیشه‌ی اسلام، سال هشتم، ش ۳۴، تابستان ۱۳۸۸ش.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، تهران، مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا، ۱۳۷۲ش.
۱۹. رازی، فخرالدین، مفاتیح‌الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربیه، ۱۴۲۰ق.
۲۰. رزاقی موسوی، سیدقاسم، مدارا با مخالف و مبارزه با معاند در سیره‌ی نبوی، فصل‌نامه‌ی معرفت، ش ۸۶، بهمن ۱۳۸۳ش.

۲۱. سبحانی، جعفر، *فروع/ابدیت*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۴، ۱۳۷۴ ش.
۲۲. سعادت، احمد، *مدارای پیامبر اعظم* ۹ *با مخالفان و دیگرانندیشان*، فصل‌نامه‌ی *طلوع*، ش ۲۰، زمستان ۱۳۸۵ ش.
۲۳. شهیدی، سیدجعفر، *ترجمه‌ی نهج‌البلاغه*، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، بی‌تا.
۲۴. صفار، محمدبن حسن بن فروخ، *بصائرالدرجات*، قم، کتاب‌خانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. صلواتی، محمود، *خارجیگری*، تهران، دانش، ۱۳۶۵ ش.
۲۶. طبری، محمدبن جریر، *تاریخ‌الامم والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ ش.
۲۷. طریحی، فخرالدین، *مجمع‌البحرین*، انتشارات مرتضوی، چ ۳، ۱۴۰۸ ق.
۲۸. طوسی، محمدبن حسن، *الامالی*، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. عبدالمجیدی، حسین، *تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و عترت*، قم، ظفر، ۱۳۸۱ ش.
۳۰. علیخانی، علی‌اکبر، *جایگاه دشمنان و مخالفان در نگرش سیاسی امام علی* ۷، *مجله‌ی حوزه و دانشگاه*، ش ۲۶، بهار ۱۳۸۰ ش.
۳۱. غزالی، ابوحامد، *احیای علوم دین*، بیروت، دارالکتاب العربیه، بی‌تا.
۳۲. فاضل لنکرانی، محمد، *تقیه‌ی مداراتی*، بی‌جا، گروه ارشاد حجاج ایرانی، ۱۳۶۵ ش.
۳۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی، بی‌جا، دارالحجره، چ ۲، ۱۴۰۹ ق.
۳۴. فیض کاشانی، ملامحسن، *المحجۃ‌البیضاء*، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه‌ی مدرسین، چ ۲، بی‌تا.
۳۵. کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتاب‌الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۳۶. کمالی، سیدعلی، *خاتم‌النبین* ۹، تهران، اسوه، ۱۳۷۲ ش.
۳۷. کوفی، ابن‌عثم، *کتاب‌الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱ ق.
۳۸. مازندرانی، ابن‌شهر آشوب، *مناقب آل ابی‌طالب* ۷، قم، علامه، ۱۳۷۹ ش.
۳۹. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۴۰. مطهری، مرتضی، *سیری در سیره‌ی نبوی* ۹، تهران، صدرا، چ ۳۳، ۱۳۸۵ ش.

۴۱. مهدی زیدی، سیدمحسن، سیره‌ی اهل بیت : در جذب مخالفان، قم، نشر مصطفی ۹، چ ۱، ۱۳۸۷ش.
۴۲. نوعی، غلامرضا، مدارا با مخالفان در قرآن و سنت، رشت، کتاب مبین، ۱۳۷۹ش.
۴۳. نویدی، شهاب‌الدین، نهایت‌الارباب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.
۴۴. هندی، علاء‌الدین، کنز‌العمال، بیروت، مؤسسه‌ی رسالت، ۱۴۰۱ق.
۴۵. وسیمه، اعظم، تعامل امام علی ۷ با مخالفان، قم، پژوهشکده‌ی باقرالعلوم ۷، چ ۱، ۱۳۸۹ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی